

ISBN 978-964-8888-88-2

نام‌ها و نشانه‌ها
در
دستور زبان فارسی

احمد شاملو



انتشارات مروارید

پیش‌گفتار

معضل خط و زبان فارسی

فرهنگ ایرانی که بیانگر میزان اعتلا و ارتقای بینش و جهان‌نگری جامعه‌ی ایران است، حامل تمدنِ درخشانِ مردمی است که روح دانش و اندیشه و هنر سرزمین خود را انعکاس می‌دهد. بالندگی این فرهنگ جز با شناخت زبان و خط آن میسر نخواهد شد. رمز بالندگی فرهنگ ایرانی، ما را با رشد و توسعه‌ی زبان و خط و ادبیات ایرانی آشنا می‌سازد. این رشد و بالندگی، در ضرورت‌های تاریخی برای «روزآمد» کردن و «به روز» در آوردن خط و زبان فارسی می‌باشد، که تا فرهنگ ایرانی، برای آینده، همیشه عمق و تازگی داشته باشد. مجموعه‌ی آثار پدرم را در واقع می‌توان مجموعه‌ای از فرهنگِ واژگان و تازه‌های لغوی دانست که به اعتبار آثار ادبیات کلاسیک ایران افزوده است.

با مطالعه‌ی آثار کلاسیک و کهن ایرانی و آشنایی با آثار ادبی معاصر می‌توان به تلاش‌های چشمگیر احمد شاملو در دگرگونی شعر امروز (به ویژه در ارتقای کیفی شعر خود شاملو) پی برد. بر این باورم که پویایی زبان فارسی، به افزوده‌هایی است که از ورود واژه‌های جدید به آن نشأت می‌گیرد.

اگرچه زبانِ فارسیِ هزارساله را امروزه هم می‌توانیم بدون ترجمه یا بازخوانی مجدد دریابیم، اما این نیز خود مشکل و معضل دیگری است که زبان فارسی، چرا «به روز» نشده و به عبارتی درجا زده است؟ پدرم همیشه نگران رسم‌الخط فارسی بود و اعتقاد داشت که خط فارسی دارای نارسایی‌هایی است که بایستی سامان‌دهی و اصلاح شود تا بتوان به راحتی به خوانش یک متن نایل شد. نگرش دیگر پدرم درباره‌ی شعر معاصر و شاعران جوان این بود که، بایستی ادبیات کهن ایران را مطالعه کرد تا به گنجینه‌ی لغات و واژه‌های آن آشنایی داشته باشیم، آن‌گاه می‌توانیم به «روزآمد» کردن آن نایل شویم. پدرم - احمد شاملو - همیشه دغدغه‌ی نارسایی خط و زبان فارسی را داشت و معتقد بود که خط و زبان بایستی «به روز» تغییر می‌کرد تا شاهد رشد آن می‌بودیم.

ولی متأسفانه زبان فاخر حافظ‌ها، سعدی‌ها، نظامی‌ها، فردوسی‌ها، مولوی‌ها، و... تا حدودی قدرت رشد آن را (در طی زمان) از ما ربودند. شاید این ویژگی زبان فارسی هم بوده باشد. اما معتقدم زبان زنده، زبانی است که گستره‌ی واژگانی آن در حالِ افزودن باشد نه ثابت و ایستا. احمد شاملو به زیباشناختی زبان اهمیت می‌داد.

از نظر شاملو؛ زیبایی‌شناسی زبان به - محتوای کلام

- معانی بیان

در زبان‌شناسی وابسته و مرتبط بودند. دل‌نگرانی‌های مداوم شاملو در مورد رسم‌الخط فارسی و آیین نگارش او را بر آن داشت که به دو موضوع بیشتر فکر کند:

۱- تغییر و اصلاح خط

۲- شیوه و روش نوشتن

تغییر و اصلاح در موضوع رسم‌الخط فارسی هم از دو جایگاه، بیشتر برای او مدنظر بود:

۱- پیوسته‌نویسی

۲- جدا‌نویسی

به همین منظور هم تلاش داشت تا علاوه بر دستور زبان فارسی، قواعد تازه‌تری برای «خط فارسی» تدوین نماید. او تلاش داشت تا با بازنگری ضوابط موجود خط فارسی به اصلاح و تغییرات و تدوین ضروری آن دست بزند. احمد شاملو خود را ملزم به «پاسداری از زبان و خط فارسی» و «یک دستی و روش مندی در نگارش» می‌دانست.

او علاوه بر موضوع تصویری بودن خط فارسی در ارتباط با اصلاح خط فارسی، خوانش اشتباه نوشتار، و رعایت فاصله‌ی واژگانی، به اصلاح نمودن خط فارسی (به صورت ساختاری) اعتقاد داشت. شاملو در تلاش بود تا برای دو مشکل: - رسم‌الخط فارسی

- آیین نگارش

اقدام به تنظیم، تدوین و چاپ نظرات خود با عنوان «دستور خط فارسی» بنماید. شاملو همیشه می‌گفت که بایستی رسم‌الخط را به شیوه‌ای تازه‌تر و جامع‌تر بازنگری و اصلاح کنیم، مگر نه اینکه رسم‌الخط امری قراردادی است؟ شاملو از ورود واژه‌های بیگانه هراسی در دل نداشت و آماده‌ی آمایش و پالایش آن بود. واژه‌گزینی، مترادف‌سازی و ساخت کلمات هم‌معنا و معادل‌سازی واژگان جدید را پذیرا بود.

پدرم در ادامه می‌افزود که: «سیاجون، من این کار را خواهم کرد و روشی تازه برای دستور خط فارسی ارائه خواهم داد.»

اما عمرش کفاف نداد تا آنچه را که می‌خواست به انجام برساند. مشکلات زیادی که در زندگی برایش به وجود آورده شده بود، نگذاشت تا به نتیجه‌ی آرزویش دست پیدا کند.

در همین جا بر خود واجب می‌داند تا از علاقه‌مندی آقای دکتر علی‌اکبر قاضی‌زاده و آقای مهندس ضیاءالدین جاوید برای چاپ کتاب «دستور زبان فارسی» سپاسگزاری نماید.

از مدیریت محترم انتشارات مروارید که زحمت تقبل چاپ کتاب حاضر را بر عهده گرفتند تشکر می‌نمایم.

سیاوش شاملو

۱۳۸۵/۲/۱۵

دفتر حفظ و نظارت بر نشر آثار احمد شاملو

کتابی را که پیش روی شماست احمد شاملو سال ۱۳۳۳ در زندان قصر نوشته است و بر آن بوده تا دستور زبان فارسی را در سه دفتر اسم، فعل و حرف مورد بررسی قرار دهد.

دفتر اسم، خود از چهار بخش اسم، اضافه، صفت و ضمیر تشکیل می‌شده که متأسفانه در نخستین نوبت انتشار آن (سال ۱۳۴۳) بخش مربوط به ضمیر در چاپخانه گم می‌شود اما در دومین نوبت (سال ۱۳۷۵) به رغم افزوده نشدن تکمله‌یی بر کتاب مطالب با ساماندهی بهتر تحت عنوان «جلد اول دستور زبان شاملو» و به امید انتشار یک جلد متمم به دست چاپ سپرده می‌شوند.

ناشر در مقدمه چاپ دوم این کتاب مزایای دستور زبان فارسی احمد شاملو را این‌گونه بر شمرده است:

۱- اصوات و حروف بیصدا را به بهترین وجهی از یکدیگر تفکیک و بطور واضح به خواننده معرفی کرده است.

۲- چون زبان فارسی تحت تأثیر زبان عربی است حروف مختص عربی را که به مجموعه الفبای فارسی اضافه شده جداگانه آورده و اصوات خاص آنرا شرح داده است.

۳- ضمن آوردن مثال، اقسام همزه و اشکال گوناگون آنرا به بهترین وجهی نشان داده است.

۴- در این دستور، خواننده به مطالب و نکاتی برمی خورد که ذکر آن تازگی دارد و در سایر دستورهای موجود، به آنها اشاره ای نشده است.

۵- علائم نقطه گذاری و جمله بندی؛ که خیلی اهمیت دارد در این کتاب بطور مشروح، ذکر شده است.

۶- در ذیل هر فصل و موضوع، به تمرین های مناسبی اشاره شده که با حل آن تمرینات، نکات مندرج در آن فصل بخوبی آموخته می شود.

۷- چون در زبان فارسی اعراب (اصوات) خارج از حروف الفباست و نوشته نمی شود لذا مؤلف تلفظ کلمات را با الفبای لاتین نشان داده تا خواننده پی به تلفظ صحیح آن کلمات ببرد.

۸- آخرین نکته مزیت این دستور بر سایر کتابهای مشابه اینک: چون مؤلف خود یکی از شعرای نامدار عصر حاضر است، زیباترین و شیواترین ابیات و اشعار را بعنوان مثال و شاهد در ذیل مطالب آورده است.

«دفتر نظارت بر حفظ و نشر آثار احمد شاملو» در راستای ساماندهی به روند تجدید چاپ آثار منتشره، آثار نایاب و نیز آمایش آثار منتشر نشده این «شاعر، مترجم، محقق و روزنامه نگار معاصر» تدوین و تنظیم مجدد این کتاب را نیز مطابق با آخرین تصحیح ها در دستور کار خود قرار داد.

اگرچه شاملو به خاطر مشغله های مهمتری هم چون «کتاب کوچک» توفیق تکمیل این اثر را آن چنان که خود بایسته و شایسته می دانست نیافت اما «دستور زبان فارسی احمد شاملو» که صرف وجودش نشان از جامعیت شخصیت ادبی و نگاه فراگیر او به مقوله ای زبان دارد از جهات بسیار قابل بحث و مورد توجه علاقه مندان خواهد بود.

تعهد به زبان؛ یک تعهد اجتماعی

مردی به شیدایی، عاشق زبان مادری خویش ام. زبانی که در طول قرن ها و قرن ها، ملتی پُر مایه، رنج و شادی خود را بدان سروده است. زبانی ترکیبی و پیوندی، که به هر معجزتی در قلمرو کلام و اندیشه راه می دهد. حتا عربی که در فارسی وارد شد، فارسی فارسی ماند. مثنوی مفهوم را که لازم داشت از زبان عربی به نفع خودش صادره کرد، اما ساختارش را از دست نداد. زبانی که در پیرانه سری نیز ظرفیت های عظیم تازه ای در آن می یابم و برخوردم با آن، برخورد با چیزی مقدس است. شاید به همین دلیل است که این اواخر کم تر می نویسم، زیرا معتقدم که در این معبد قدسی، تنها باید حضور قلب داشت و انسان همیشه حضور قلب ندارد. در آغاز راه، قضیه فرق می کرد. آن موقع، زبان در نظر من فقط یک وسیله بود، شاید یک چیز «مصرفی» که به خاطر یک شعر می شد پدرش را در آورد. کاری که متأسفانه امروز هم پاره ایی از شاعران جوان می کنند.

من زبان شناس و این حرف ها نیستم، ولی وقتی آدم کاری می کند که الزاماً نیاز مند آگاهی از فلان یا بهمان مقوله است، نمی تواند خودش را از آن کنار بکشد. زبان شناسی یک علم است و علم را جز از طریق پرداختن مستقیم به آن نمی شود آموخت، اما شاعری امری شهودی است و چون